



چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی

پدیدآورنده (ها) : تقی زاده انصاری، مصطفی

حقوق :: نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل :: تابستان ۱۳۸۹ و زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۸ و ۹ و ۱۰ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۱۱ تا ۴۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1020775>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مبانی و احکام فقهی محیط زیست
- محیط زیست از منظر دین و اقتصاد
- انسان و محیط زیست از منظر قرآن و روایات
- محیط زیست و نظام اخلاقی آن در اسلام
- جایگاه حقوقی محیط زیست در بینش امانت‌مدار اسلام و نگرش تمامیت خواه غرب
- حقوق اساسی. محیط زیست و اسلام
- طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام
- بررسی مبانی وحیانی حفظ محیط زیست
- جهان بینی و حفاظت محیط زیست
- حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام
- بایسته‌های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقه
- حمایت از حقوق محیط زیست در پرتو قواعد فقهی

عناوین مشابه

- بررسی نقش سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران در حمایت از محیط زیست شهری
- از مالکیت تا حاکمیت: مطالعه تطبیقی محیط زیست در حقوق و فقه اسلامی
- بررسی سیاست تقنینی و حمایتی ایران در حمایت از محیط زیست در مقایسه با فقه و جمهوری خلق چین
- حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) و سی و چهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران
- بررسی مبانی و منابع حمایت از محیط زیست از منظر فقه و حقوق
- اثر کیفیت نهادها بر آلودگی محیط زیست در چارچوب منحنی کوزنتس با استفاده از الگوهای پانل دیتا ایستا و پویا (مطالعه موردی: کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی)
- علوم اسلامی: رویکردهای نوین به درون مایه های دینی در حفاظت از محیط زیست
- صدهایی در حمایت از محیط زیست
- فقه و محیط زیست؛ منابع زیست محیطی از نظر فقه اسلامی دارای ارزش و قداست است
- نقش ضمانت اجرای حقوقی و کیفری در حمایت از محیط زیست با تأکید بر قانون حفاظت از جنگل ها و مراتع

چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی

دکتر مصطفی تقی زاده انصاری*

چکیده

حفاظت از محیط زیست یکی از موضوعات امروزی بشریت می‌باشد. لذا برای مقابله با آثار مخرب رفتارهای بشر در محیط زیست جامعه بین‌المللی به اقدامات مختلفی پرداخته است. این اقدامات هم در سطح داخلی از طریق وضع قوانین مناسب و هم در سطح بین‌المللی در چارچوب معاهدات بین‌المللی ملاحظه می‌شود. با توجه به اینکه اسلام دینی است که محدود به یک زمان و یا مکان خاص نمی‌باشد و برای تمام موضوعات در هر زمان و مکانی راهکاری را ارائه می‌دهد، چگونگی برخورد اسلام با مسایل زیست محیطی و راهکارهای حقوقی مختلفی که با توسل به آنها قانونگذاران می‌توانند به تدوین قوانین مناسب بپردازند در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در حقوق اسلام احکامی وجود دارند که می‌توان با توسل به آنها به حل موضوعات مختلف در زمانهای و در تمامی جوامع پرداخت. شارع اسلامی با استناد به این احکام می‌تواند به حل موضوعات زیست محیطی بپردازد. در این مقاله به بررسی این احکام می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: راهکار حقوقی، اسلام، حفاظت از محیط زیست، جامعه بشری، معاهدات، قواعد حقوقی، احکام اسلامی

* استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

مقدمه

امروزه مسایل زیست محیطی تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه های بشری گردیده است. علت اصلی ایجاد این مسایل نیز توجه بشر به رفاه مادی و پیشرفت اقتصادی خود می باشد. البته توجه به مسایل اقتصادی موضوع جدیدی نبوده بلکه بشر از ابتدای پیدایش در کره ی خاکی تا به امروز با اندیشه دستیابی هر چه بیشتر به رفاه و آسایش زندگی کرده و راه رسیدن به این هدف را نیز در توسعه اقتصادی یافته است. لازمه ی هر نوع توسعه اقتصادی در بهره برداری از منابع طبیعی نهفته است. بنابراین به هر میزان که از طبیعت بهره برداری شود به همان میزان نیز توسعه اقتصادی بدست می آید. این برداشت موجب بهره برداری بیش از حد از طبیعت و منابع طبیعی گردید. غافل از اینکه نتیجه بهره برداری بی رویه و بیش از حد از طبیعت و منابع طبیعی باعث وارد شدن آسیب هایی به محیط زیست می شود که نتیجه دیگر آن بر هم خوردن تعادل اکولوژیکی در طبیعت است. بهره برداری بیش از حد از جنگلها و منابع معدنی هم چون نفت برای تامین انرژی موجب گرم شدن کره زمین و نازک شدن لایه اوزون (سپری که مانع از نفوذ امواج خطرناک خورشیدی به زمین می شود) شده است. از طرف دیگر استفاده از سوختهای فسیلی موجب افزایش آلودگیها گردیده است. با توجه به وضعیت بوجود آمده امروزه بشر به این نتیجه رسیده که بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی به منظور توسعه اقتصادی نه تنها برای بشر رفاه به دنبال ندارد بلکه دراز مدت می تواند موجودیت او را با خطر مواجه نماید. با توجه به این آگاهی افکار جدیدی بوجود آمد مبنی بر اینکه هر نوع توسعه اقتصادی باید با در نظر داشتن مصالح زیست محیطی به عمل آید که اصطلاحاً به آن توسعه پایدار گویند یعنی توسعه ای که موجب از بین رفتن منابع زیست محیطی نشود. بدین ترتیب امروزه توجه به محیط زیست بسیار افزایش یافته و برای حفاظت آن حقوق محیط زیست نقش مهمی ایفا می نماید. نقشی که هر روز پر رنگ تر و کامل تر می گردد.

حقوق محیط زیست عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط انسان با محیط پیرامونی خود. با توجه به اینکه محیط پیرامونی انسان شامل محیط طبیعی و محیط انسانی می‌شود بر این اساس حقوق محیط زیست به دو بخش تقسیم و تعریف می‌گردد: حقوق محیط زیست طبیعی و حقوق محیط زیست انسانی. منظور از حقوق محیط زیست طبیعی حقوق حاکم بر روابط انسان با طبیعت است که شامل جنگل و مراتع و نیز دریاها و رودخانه‌ها و منابع شیلاتی و جانوری غیرآبزی می‌باشد. منظور از حقوق محیط زیست انسانی محیطی است که بشر در آن زندگی می‌نماید مانند محیط شهر و روستا و محیط کار.

به طور کلی هدف حقوق محیط زیست حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی آن اعم از عناصر جاندار و بی جان آن و جلوگیری از هر گونه رفتاری است که موجب آسیب رساندن به این عناصر می‌گردد. آسیب به محیط زیست در قالب دو گروه از حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرند. حقوق آلودگی‌ها در رابطه با عناصر بی جان و حقوق تخریب در رابطه با عناصر جاندار.

حال این سوال مطرح می‌شود که با توجه به اینکه معضلات زیست محیطی از جمله ی موضوعات عصر جدید محسوب می‌شود و حقوق محیط زیست به طور اخص پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمده آیا می‌توان در حقوق اسلامی راه حل معضلات عصر جدید را یافت؟

برای پاسخ به این سوال نیاز به بررسی مبانی حقوق در اسلام داریم. بر اساس منابع حقوق در اسلام که کتاب و سنت دو منبع مهم آن محسوب می‌شوند شالوده حقوق اسلامی بر دو مبنا و قواعد استوار است احکام ثابت و خاص و احکام عام و کلی.

بند ۱- احکام خاص و ثابت

منظور از احکام خاص و ثابت احکامی می‌باشند که صریحا و دقیقا موضوعشان در منابع حقوقی اسلامی مطرح شده‌اند. مهمترین منابع حقوقی در اسلام کتاب یا بعبارت

دقیق تر قرآن کریم است و بعد از آن دیگر منابع قرار دارند: هم چنان که آمد محیط زیست، مجموعه ای از عناصر جاندار و بی جان در طبیعت و هم چنین محیطی که انسان در آن زندگی می‌نماید را شامل می‌شود. سه عنصر آب، هوا و خاک به عنوان عناصر بی جان و عناصری هم چون گیاهان و جانوران به عنوان عناصر جاندار و محیطی که انسان در آن زندگی می‌نماید مجموعه محیط زیست انسان را تشکیل می‌دهد. آسیمی که به محیط زیست وارد می‌شود یا به صورت آلوده نمودن آن می‌باشد و یا تخریب آن.

الف- حقوق آلودگی ها در اسلام

سه عنصر اصلی در طبیعت که حیات به واسطه آنها بوجود می‌آید و تداوم می‌یابد عبارتند از آب، هوا و خاک. از امام صادق(ع) نقل است که فرمود "لا تطیب السکنی الا بثلاث الهواء الطیب والماء الغزیر و الارض الخواره" زندگی به سه چیز گوارا می‌شود هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز. (اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ ص ۸۷) با توجه به این حدیث به بررسی اهمیت این عناصر در اسلام می‌پردازیم. با توجه به اینکه آسیب وارده به این عناصر عمدتاً از طریق آلوده نمودن آنها صورت می‌گیرد به این جهت در قالب حقوق آلودگی-ها به مطالعه آنها می‌پردازیم که البته در ضمن بحث به بررسی آلودگی صوتی در اسلام نیز خواهیم پرداخت.

۱- اهمیت آب و مقابله با آلودگی آن در اسلام

۱-۱- اهمیت آب

نزدیک به دو سوم کره زمین را آب فرا گرفته و زندگی کلیه جانداران وابسته به آن است. در آیات متعددی در قرآن و هم چنین در احادیث به اهمیت آب به عنوان یک عنصر حیات بخش اشاره شده است.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۳۰ می‌فرماید "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَیٍّ" یعنی و

از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم. در اهمیت آب همین بس که بگوئیم اولین عنصر حیاتی خلق شده توسط خداوند آب بوده است زیرا خداوند در سوره هود آیه ۷ می فرماید: "وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ..." و اوست خدائی که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید در حالی که عرش خداوند روی آب بود". بنابراین قبل از آسمان ها و زمین خداوند آب را خلق نموده بوده است.. هم چنانکه آمد آب منشاء حیات است. در این رابطه خداوند در سوره نور آیه ۴۵ می فرماید "وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ..." خداوند هر جنبنده ای را از آب آفرید" و در سوره فرقان آیه ۵۴ خداوند تأکید بر این دارد که وجود بشر نیز از آب است "وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا..." اوست کسی که از آب بشر را آفرید. چرا که حجم بزرگی از جسم بشر و هم چنین سایر موجودات را آب تشکیل می هد. در رابطه با منشاء آب در سوره نحل آیه ۶۵ چنین آمده "وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا..." خدا از آسمان باران فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کند. بنابراین منشاء آب در آسمانها بوده و هدف از نازل نمودن آن در زمین زنده نمودن زمین و به طور کلی حیات بوده است. و در سوره زمر آیه ۲۱ آمده "الْم تَرَأْنُ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ..." آیا نمی بینی که خدا از آسمان باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها، جویها روان ساخت و آنگاه نباتات گوناگون از آن برویاند. بنابراین زندگی و طراوت و زیبایی در زمین به جهت موهبت آب است بموجب سوره نمل آیه ۶۰ "... وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ..." از آسمان برای شما باران می فرستد که با آن بوستان های سر سبز و خرمی پدید می آورید. علاوه بر زیبایی و دل انگیزی که به لطف آب در زمین پدیدار شده آب موجب زندگی بشر و سایر موجودات و ادامه حیات است چرا که به وسیله آن بشر می تواند به کشت و زرع پرداخته و از محصولات کشاورزی و باغداری استفاده نماید. در این رابطه در سوره انعام آیه ۹۹ چنین آمده است "وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا مِنْهُ خُضِرًا مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنْ

النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنَوَانٌ ذَائِبَةٌ وَجَنَاتٍ مِنْ أَغْنَابٍ وَالزَّيْتُونِ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ..." و هم اوست خدائی که از آسمان برای شما باران فرستاد تا هر نبات بدان برویایم، سبزه ها را از زمین بیرون آوریم و دانه هائی بر روی هم پیچیده شده پدید آریم و از درخت خرما خوشه های پیوسته به هم بر انگیزیم و باغهای زیتون و انگور و انار خلق کنیم و در سوره نحل آیه های ۱۰ و ۱۱ می فرماید "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ طَلْعُكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ..." اوست خدائی که آب را از آسمان فر فرستاد که از آن بیاشامید و درختان پرورش دهید... و هم زراعتهای شما را از آن آب باران برویاند و در سوره سجده آیه ۲۷ آمده: "أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا نَسُقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنَخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ..." آیا ندیدید که ما آب را در زمین خشک بی آب و گیاه جاری ساختیم تا حاصلی را پدید آوردیم تا از آن مردم و دام هایشان مصرف کنند. و یا در سوره فرقان آیه های ۴۸ و ۴۹ می فرماید وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸) لِنُخْرِجَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسَى كَثِيرًا " از آسمان آب پاک و پاکیزه برایشان نازل کردیم تا با آن زمین خشک و مرده را زنده سازیم و هر آنچه آفریدیم، چهارپایان و آدمیان بسیاری را سیراب گردانیم.

و در آیه ۱۶۴ سوره بقره آمده " و در آبی که خداوند از آسمان فرو فرستد تا بدان زمین را پس از مرگش زنده سازد و در آن از هر جنبنده ای بپراکند و در گردش بادها و ابری که میان آسمان و زمین مسخر است، همانا آیتهایی است برای قومی که به خرد یابند"

علاوه بر آن انباشته شدن آبها موجب بوجود آمدن دریاها می شود که خود دریاها از جهات مختلف برای بشر مفید است از قبیل منابع جاندار و بی جان واقع در آنها و یا برای کشتی رانی و ارتباطات میان انسانها. در این خصوص در سوره نحل آیه ۱۴ چنین آمده " وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا..." و او خدائی است که دریا را برای شما مسخر گردانید تا از گوشت و ماهیان حلال آن تغذیه کنید. هم چنین در سوره مائده آیه ۹۶ چنین آمده " أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ..." صید

دریا و طعام آن برای شما حلال است تا شما و مسافران از آن بهره مند شوید. در سوره نحل آیه ۱۴ " وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا..." خدائی که دریا را برای شما مسخر گردانید تا از گوشت لطیف و تازه آبزیان تغذیه کنید و از زیورهای آن(در، مرجان، خز، سنجاب) استخراج کرده و خود را زینت دهید.

در رابطه با استفاده از دریا برای حمل و نقل در سوره نحل آیه ۱۴ چنین آمده " وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلِيَهُمْ... " خدائی که دریا را برای شما مسخر گردانید و کشتی ها را می بینید که سینه دریا را می شکافند تا شما از فضل خدا بهره گیرید. در سوره بقره آیه ۱۶۴ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ... " کشتی ای که برای بهره وری مردم در دریا روان است.

در احادیث نیز به اهمیت آب اشاره شده در این خصوص می توانیم به حدیث آمده از امام صادق(ع) اشاره نمائیم که فرمودند " اساسی ترین نیاز زندگی مادی انسان آب است و نان. نیاز انسان به آب بیش از نیازش به نان است زیرا انسان بر گرسنگی بیش از تشنگی صبر دارد. انسان آب را برای خوردن، وضو، غسل، شست و شوی لباس ها، سیراب کردن حیوانات و آبیاری باغ و مزارع استفاده می کند" باز از امام صادق(ع) نقل است که فرمودند آب مزه زندگی است زیرا خداوند می فرماید: همه چیز را به وسیله آب زنده نگه داشته ایم. " هم چنین ابو حیان اندلسی در کتاب "البحر المحيط" ذکر نموده که آب اولین مخلوق الهی بوده است(اسلام و محیط زیست - دکتر عیسی ولانی - نشر اندیشه مولانا-قم ۱۳۸۸ ص ۷۴-۷۵)

بدین ترتیب آب به عنوان عنصری مهم در طبیعت مورد توجه اسلام می باشد زیرا در حقیقت حیات انسان و تمام موجودات به آن بستگی دارد و موجب سرسبزی و پدید آمدن منظر زیبا و خرم است.

در همین رابطه از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که "مردم در سه چیز شریکند: آب، چراگاه و آتش(نوری میرزا حسن، مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۱۱۴).

بنابراین آب متعلق به همه است و کسی نمی‌تواند آن را به مالکیت خود در آورد و از آن هر نوع خواست استفاده و بهره برداری کند. بنابراین بدلیل اینکه آب از حقوق عامه است نباید آن را آلوده نمود چرا که این کار تجاوز به حقوق دیگران محسوب می‌شود.

۱-۲- عدم آلودگی آب

بنابراین آنچه که گذشت در اسلام آب به عنوان عنصری حیاتی از جایگاهی خاص برخوردار است و نباید آلوده شود. طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست آلودگی آب عبارت است از آمیختن مواد خارجی به آب به میزانی که برای موجودات و گیاهان زیان آور باشد. در رابطه با پاکیزه نگاه داشتن آب و عدم آلودگی آن از پیامبر اکرم (ص) نقل است که می‌فرماید: "نه چیز موجب فراموشی خواهد بود که یکی از آنها بول در آب راکد است که حضرت آن را نهی فرموده است و در جای دیگر ادرار در شط و در آب جاری و آب دهان انداختن در آب آشامیدنی مردم را نهی نموده اند." (عیسی ولایی ص ۸۲)

از امام علی (ع) نیز نقل شده است که فرمود "رسول خدا از نشستن برای قضای حاجت در کنار چاه شیرین و جوی آب شیرین و زیر درخت میوه دار نهی فرموده اند" هم چنین آن حضرت نیز بول در آب را نهی نموده است " (عیسی ولایی ص ۸۲) هم چنین در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) آمده که به یکی از یارانش فرمود "و لا تفسد علی القوم ماء هم" یعنی آب مردم را آلوده مکن. (اخلاق زیست محیطی در اسلام- سید فضل اله حسینی- محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۳)

در همین رابطه در کتاب ذخیره خوارزمشاهی از سید اسماعیل جرجانی آمده "دسته ای از بیماریها مانند جذام، آبله، هاری، وبا، برص و... مسری بوده و انتقال آنها از راه هوا، آب الوده و غیره صورت می‌گیرد" (عیسی ولایی ص ۸۲)

۲- اهمیت هوا و مقابله با آلودگی آن در اسلام

۱-۲- اهمیت هوا

در رابطه با اهمیت هوا در اسلام خداوند در سوره انبیا آیه ۳۲ می‌فرماید "وَجَعَلْنَا

السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا... " و آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم. در تفسیر کلمه سماء گفته شده که منظور جو زمین می‌باشد یعنی فضای هوایی متراکمی که دور تا دور کره زمین را احاطه نموده و مانع از نابودی آن در برابر تشعشعات خورشیدی می‌شود. و اجازه می‌دهد تا هوای میان کره زمین تا جو در سیر طبیعی خود جریان داشته که خود موجب ادامه حیات در زمین می‌شود. بموجب بند سوم ماده یک آئیننامه جلوگیری از آلودگی هوا، هوای آزاد عبارت است از جو طبیعی. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند "زنده بودن همه ابدان به هوا وابسته است و این هوا است که ساز و کار داخلی بدن را با استنشاق آن تنظیم می‌نماید و از نظر روحی نیز بر شادابی و نشاط و یا افسردگی و کسالت انسان تاثیر مستقیم دارد". هم چنین می‌فرماید که باد همان هواست زمانی که هوا به حرکت در می‌آید به آن باد می‌گویند و زمانی که از حرکت باز می‌ایستد هوا نامیده می‌شود و پایداری طبیعت به باد بستگی دارد، باد سفیر رحمت الهی است. در سوره رم آیه ۴۶ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ... " از جمله آیات قداست الهی آنست که بادهای بشارت آوری می‌فرستد که شما را به چیزی از رحمت بی‌انتهای خود بهره‌مند کند. با جریان باد ابرهای آسمان از نقطه‌ای به نقطه دیگر پراکنده شوند و با تراکم آنها باران‌های پیاپی فرود می‌آید و با جذب آنها در زمین نیازهای مختلف موجودات تامین می‌شوند. در سوره روم آیه ۴۸ " اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُبْرِئُ سَخَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۗ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ " خدا آن کسی است که بادهای او را می‌فرستد تا ابرها را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش تعلق گیرد و در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند آنگاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد تا به کشتزار و صحرای قومی از بندگان که بخواهد فرو بارد و آن قوم مسرور و شادمان گردند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: وزش باد از هواست، باد از اجسام (اقیانوس‌ها، دریاها و...) می‌گذرد ابرها را از جایی به جای دیگری می‌برد تا همگان بهره‌مند شوند. ابرها

متراکم می‌گردند در نتیجه باران فرود می‌آید. باد درختان را بارور می‌نماید، کشتی‌ها را به حرکت در می‌آورد، غذاها را نرم و آنها را خنک می‌گرداند، آتش‌ها را شعله‌ور و اشیاء تر و چسبیده را خشک می‌کند. حاصل آن باد هر آنچه را در زمین است زنده می‌کند. اگر باد نبود گیاهان خشک و پژمرده می‌شدند، حیوانات می‌مردند و همه چیز فاسد می‌شد. از آن حضرت نقل است که فرمود "چنانچه سه روز باد در طبیعت نوزد هر آنچه بر روی زمین است فاسد می‌گردد و می‌گندد. این بدان جهت است که باد همانند روح بدن است و همان طور که هر گاه روح از بدن خارج شود بدن می‌پوسد و دچار تعفن می‌شود باد نیز اگر از طبیعت گرفته شود طبیعت به فساد کشیده می‌شود." هم چنین آن حضرت فرموده اند "ای مفضل تو را از رموز باد آگاه سازم تا بدانی در آن چه حکمت و مصلحت و فوایدی نهفته است. آیا نمی‌بینی اگر باد از حرکت بایستد چگونه بلاها پدید می‌آیند؟ بلاهائی که جان انسان‌ها را نشانه می‌رود و بیماری‌ها شیوع می‌یابد میوه‌ها فاسد و سبزی‌ها متعفن می‌گردند و در پی آن وبا بروز می‌کند و آفت در غلات و کشاورزی می‌افتد. همه اینها گویای این مطلب است که وزش باد از روی تدبیر خدای حکیم برای اصلاح امور آفریدگان است." (عیسی ولانی ص ۸۵-۸۸)

۲-۲- عدم آلوده نمودن هوا

هم چنان که آمد هوا عنصری حیاتی در زندگی موجودات می‌باشد. برای آگاهی به ارزش آن کافی است توجه شود که اگر انسان می‌تواند چند روز بدون آب و یا چند هفته بدون غذا زندگی کند، بیش از سه دقیقه نمی‌تواند بدون اکسیژن دوام آورد (کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو- ص ۱۰۳)

بموجب بند ۲ ماده یک آئین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ آلودگی هوا عبارت است از وجود یک یا چند آلوده کننده در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که مضر به حال انسان و یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد."

امام علی (ع) از حضرت رسول (ص) نقل فرموده که پیامبر (ص) نهی نموده که

مسلمین با استفاده از سموم دشمن را از پا در آورند" نهی رسول الله (ص) ان یلقى السم فی بلاد المشرکین". بنابراین "مسلمین حق ندارند با مسموم نمودن آب و یا آلوده نمودن هوا شهرهای دشمن را مورد حمله قرار دهند. (عیسی ولائی ص ۹۰)

در همین رابطه از حضرت علی (ع) نقل است که فرمودند "هرچیز که باعث آزار مردم گردد باید از بین برود" بنابراین باید از اقدام به آلوده نمودن هوا که موجب به خطر افتادن حیات انسان و سایر موجودات می شود ممانعت نمود. هم چنین از ایشان نقل شده است که نباید از پشت بام در هوا ادرار و در آب جاری بول نمود. طبق بند یک ماده یک آئین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ آلوده کننده عبارت است از هر نوع ماده گازی، بخار، مایع و جامد و یا مجموعه و ترکیبی از آنها که در هوای آزاد پخش و باعث آلودگی هوا شده و یا به آلودگی آن بیفزاید یا تولید بوهای نامطبوع... نماید. در این رابطه از حضرت علی (ع) نقل است که فرمود کسی که دهانش بوی بد می دهد و باعث آزار مردم می شود نباید به مسجد وارد شود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام- سید فضل اله حسینی- محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۵)

۳- اهمیت خاک و مقابله با آلودگی آن

۳-۱- اهمیت خاک

یکی دیگر از عناصر حیاتی خاک است. خاک منشاء حیات آدمی و کلیه موجودات است بر اساس آیات الهی خاک مادر انسان است. در این رابطه در سوره کهف آیه ۳۷ چنین آمده " أَكْفَرْتُمْ بِالَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ... " آیا به خدائی که تو را از خاک آفریده کفر می ورزی؟ در سوره حج آیه ۵ می فرماید " يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ... " ای مردم اگر تردید در مبعوث شدن (در قیامت) دارید بدین دلیل توجه کنید که من شما را از خاک آفریدم و نیز در سوره آل عمران آیه ۵۹ آمده " إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۗ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ... " همانا خلقت عیسی پیش خدا همانند خلقت آدم است که خداوند او را از خاک آفرید.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید "تمسحوا بالارض فانها امکم و هی بکم بره" بر زمین

مسح کنید زیرا زمین مادر شماسست و به شما نیکوکار. "(عیسی و لائی ص ۹۲-۹۳)
 انسان از خاک روزی خود را بدست می آورد. در این رابطه در سوره ملک آیه ۱۵ چنین آمده " هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ... " او آن خدائی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پستی و بلندی های آن حرکت کنید و روزی او را بخورید.

بنابراین زمین محل سکنی انسان و جانی است که در آن آسایش می یابد. در سوره طه آیه ۵۳ آمده " الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا ... " همان خدائی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در سوره غافر آیه ۶۴ " اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا " خدائی که زمین را محل قرار و آسایش شما قرار داد. (عیسی و لائی ص ۹۴)

یکی از خواص خاک ویژه گی پاک کنندگی آن و از بین بردن ناپاکی هاست. به همین جهت اجساد را در خاک دفن می نمایند و یا زباله ها را در خاک مدفون می نمایند. در سوره مائده آیه ۶ چنین آمده " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ... " ای مومنان هر گاه آهنگ نماز کردید صورت و دستان خود را بشوئید (وضو بگیرید) و اگر آب پیدا نکردید آهنگ خاک پاکی کنید. پس صورت و دستان خود را با آن مسح کنید. پیامبر(ص) فرمود "جعل لی الارض مسجدا و طهورا اینما كنت ایتیم من تربتها و اصلی علیها" خداموند زمین را برای من سجده گاه و هم به عنوان ابزار طهارت قرار داده، هر کجا باشیم می توانیم بر خاک تیمم کنیم و بر آن نماز بخوانیم. در جای دیگر می فرمایند "ان الارض بکم بره تیمومنها و تصلون علیها فی الحیاه و هی لکم کفارت فی المات و ذلک من نعمه له الحمد فاضل ما یسجد علیه الارض النقیه" زمین به شما مهربان و نیکوکار است از آن تیمم می کنید، در زمان حیات بر آن نماز می خوانید و پس از مرگ شما را در خود گرفته و ضمیمه خود می کند و این از نعمت های خداست و حمد ستایش برای اوست. پس بهترین چیزی که بر آن سجده می شود زمین پاک است. "(عیسی و لائی ص ۹۸)

۲-۳- احیای خاک و مقابله با آلوده نمودن آن

در اسلام توصیه به آباد نمودن زمین و احیای زمینهای موات شده است.. در این

رابطه در سوره هود آیه ۶۱ چنین آمده است "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِنَّكُمْ فِيهَا... " او خدائی است که شما را از خاک آفریده و شما را برای آبادی آن بر گماشت ". از پیامبر اکرم(ص) نقل شده "العباد عبادالله و البلاد بلاد الله فمن احیی من مواد الارض شیئا فهو له" انسان ها همگی بنده خدایند و زمین ها هم زمین پروردگار. شخصی که زمین غیر آبادی را آباد کند به همان مقدار که آباد کرده مالک خواهد شد.

امام صادق(ع) می فرماید: هرکسی زمین بایر و خرابی را با جاری کردن نهرها و اقدامات خود آباد کند آن فرد با صدقه دادن مالک آن می شود و اگر آن زمین سابقا مالک داشته اما مالک آن را رها کرده به گونه ای که خراب شده و پس از آباد کردن مراجعه نموده و ادعای مالکیت نماید حرف او پذیرفته نیست بلکه آباد کننده مالک آن است.

پیامبر(ص) فرمود "هرکه زمین را احیای کند به گونه ای که تشنه ای از آن آب بنوشد خداوند در قبال آن پاداشی برای وی منظور می فرماید." (عیسی ولائی ص ۹۹-۱۰۰)

امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر فرمود "و لیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخرج لان ذلک لایدرک الا بالعماره" اهتمام تو به آباد نمودن زمین بیش از همت تو به جمع آوری درآمد(برای دولت) باشد زیرا درآمد زمانی به دست می آید که زمین ها آباد باشد. (عیسی ولائی ص ۱۰۱).

در اسلام به احیا زمین موات بسیار توصیه شده، در این خصوص از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود کسی که زمین مرده ای را احیا کند مالک آن خواهد شد و امام باقر(ع) فرمود که هر قومی که زمینی را آباد کند آن زمین ملک آنهاست. (عیسی ولائی ص ۱۸۶)

۳-۳- عدم تخریب و آلودگی خاک

حقوق محیط زیست به ایجاد رابطه دو طرفه میان انسان و محیط زیست می پردازد. همان گونه که انسان در چهارچوب این حقوق حق دارد از مواهب طبیعی و از طبیعت استفاده نماید طبیعت نیز حق دارد به حیات خود ادامه دهد و نباید بهره برداری انسان از آن بنحوی باشد که موجب تخریب و از بین رفتن طبیعت گردد. چرا که بموجب سوره بقره آیه ۲۹ "هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا..." او خدائی است که همه

موجودات زمین را برای شما خلق کرد" بنابراین مالک تمام آنچه که در عالم هستی و در طبیعت قرار دارد خداوند می‌باشد و انسان فقط امانت دار بوده و لذا نباید با اقدامات خود موجب از بین رفتن طبیعت گردد.

با توجه به آنچه که گذشت انسان باید در حفظ خاک کوشا باشد. بعبارت دیگر انسان در برابر خاک و زمین مسئول می‌باشد. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید "فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم" شما در مورد زمین و چهارپایان نیز مسئول هستید" (نهج البلاغه ص ۲۴۲ اخلاق زیست محیطی در اسلام فضل اله حسینی-محسن عمیق ص ۷۷) نتیجه این مسئولیت این است که انسان باید از هر اقدامی که موجب آلودگی خاک و یا تخریب آن می‌شود اجتناب نماید.

بموجب ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست منظور از آلودگی خاک عبارت است از آمیختن مواد خارجی به خاک یا زمین به میزانی که برای موجودات و گیاهان زیان آور باشد.

در سوره اعراف آیه ۵۶ "وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ" هرگز در زمین فساد نکنید و خدا را هم از روی ترس و هم امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است. منظور این است خداوند زمین را برای بشر ایجاد نمود تا در آن زندگی نموده به تکامل برسد و بنابراین نباید به تخریب آن پردازد بنابراین از بین بردن مواهب طبیعی از طریق الوده نمودن و یا تخریب آن بموجب این آیه نهی شده است.

از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود "ثلاث ملعون من فعلهن المتغوط فی ظل النزال و المانع الماء المتتاب و ساد الطريق المسلوک" سه نفر ملعون است: کسی که محل استراحت مردم را آلوده به نجاست کند، کسی که مانع آب نوبتی مردم شود و کسی که راه تردد مردم را ببندد....(اخلاق زیست محیطی در اسلام-سید فضل اله حسینی-محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۱۰۷)

۴- آلودگی صوتی در اسلام

آلودگی صوتی از جمله آلودگی های عصر جدید و زندگی شهری معاصر می باشد که موجب آثار روانی و جسمانی خطرناکی در فرد می گردد. به نظر کارشناسان سر و صدای بیش از ۷۰ دسی بل برای بشر زیان آور است. بموجب ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۷۴/۲/۱۳ ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع است و بموجب ماده ۳۲ همین قانون کسانی که چنین آلودگی به وجود آورند باید به مجازاتهای پیش بینی شده برسند (حقوق محیط زیست در ایران - دکتر مصطفی تقی زاده انصاری انتشارات سمت چاپ دوم ۱۳۸۷ ص ۸۱-۸۰) در سوره لقمان آیه ۱۹ خداوند از زبان لقمان به فرزندش می فرماید " ... وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ " و سخن آرام بگو نه با فریاد بلند که زشت ترین صدا، صدای الاغ است.

امام علی (ع) می فرمایند "خفض الصوت و غض البصر و المشی القصد من اماره الایمان و حسن التدین" فرو آوردن آوا، فرو فکندن چشم و میانه روی در راه رفتن از نشانه های ایمان و نیک دینی است. پیامبر اسلام (ص) صدای بلند را که موجب ترس و اضطراب دیگران شود ظلم و ستم نام نهاده و فرموده "لاترعوا المسلم فان رثعه المسلم ظلم عظیم" مسلمانان را با آواهای نابهنجار نترسانید که ترساندن مسلمان ستمی است بزرگ. " (عیسی ولائی ص ۹۲)

در قرآن آمده که در مواردی آلودگی صدا حتی می تواند موجب مرگ و هلاکت گردد. در این خصوص در سوره هود آیه ۶۷ خداوند می فرماید " و اخذ الذین ظلموا الصیحه فاصبحوا فی دیارهم هم جائمین" کسانی که ستم نموده بودند دچار آن بانگ (مرگبار) شدند و در خانه هایشان از پا در آمدند.. (اخلاق زیست محیطی در اسلام-سید فضل اله حسینی-محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۶)

ب - حقوق تخریب محیط زیست در اسلام

تخریب محیط زیست عمدتاً شامل از بین بردن و آسیب رساندن به عناصر جاندار

طبیعت هم چون حیوانات و گیاهان می‌باشد. در اینجا ضمن بحث پیرامون جایگاه و اهمیت این عناصر در اسلام به مطالعه چگونگی مقابله با تخریب آنها می‌پردازیم.

۱- حفاظت از حیوانات

حیوانات مانند انسانها از مخلوقات خداوند می‌باشند و مانند انسان بخشی از هستی محسوب می‌شوند و دارای حقوقی می‌باشند. در این رابطه خداوند در سوره انعام سوره ۳۸ " وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أُمَّتًا لَكُمْ ۖ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۖ ثُمَّ إِلَيْ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ " و محققا بدانید که هر جنبنده ای در زمین و هر پرندۀ ای که با دو بال در هوا پرواز می‌کند همگی طایفه ای مانند شما نوع بشر هستند..... " انسان مالک مطلق حیوانات نیست تا بتواند به اعمال حقوق مالکانه خود به هر نحو که بخواهد بر حیوانات بپردازد. مالکیت انسان بر حیوانات به صورت مشروط است. انسان تا حدودی که احکام الهی اجازه داده‌اند می‌تواند از حیوانات بهره برداری نماید. در قرآن آیات چندی در خصوص فواید حیوانات (سوره نحل آیات ۵-۸) شعور و درک (سگ در داستان اصحاب کهف) آمده است.

حیوانات اعم از دریائی و غیر دریائی از موجودات خداوند می‌باشند و لذا انسان در روابط خود با آنها باید در حد معقول به استفاده درست از آنها بپردازد و نباید از آنها به نحوی استفاده نماید که موجب از بین رفتن نسل آنها شود. در این خصوص از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: حقوق دام‌ها و حیوانات بر آدمی عبارتند از: تغذیه آنها حتی اگر این حیوانات پیر یا مریض شده باشند به طوری که دیگر هیچ فایده‌ای نداشته باشند، این که حیوانات را بیش از حد توانشان بار نکنند، این که آنها را در کنار چیزی قرار ندهد که به آنها جراحی وارد شود، خواه این چیز از نوع خودشان باشد و خواه از نوع دیگر، این که حیوان را مجبور به پیمودن از راهائی ننماید که خارج از توان او باشد، طویله حیوان را باید نظافت کند، به حیوان دشنام ندهد، به حیوان آزار نرساند، حیوانات را به جان هم نیندازد، شبانه به لانه حیوان نرود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۹-۹۳) حتی در مورد استفاده از حیوانات حلال گوشت آدابی

در رابطه با ذبح این حیوانات ذکر شده از قبیل این که آنها را با شفقت ذبح کند، این زمانی که می خواهد آنها را ذبح کند تا زمانی که بدنشان سرد نشده است و کاملاً جان ندهاند اقدام به پوست کندن و شکستن استخوان های آنها نکند، اینکه در جلو چشم آنها بچه یشان را نکشد بلکه این کار را در جایی جدا گانه انجام دهد، این که حیواناتی را که شکار می کند دور نیندازد و این که نه آنها را با وسیله ای شکار کند که باعث شکستگی استخوان آنها بشود و نه این که کاری کند که در نتیجه آن خوردن گوشت آنها حرام شود" (عیسی ولائی صص ۱۵۷-۱۵۶)

امام صادق(ع) فرمود "از حقوق حیوانات بر صاحبشان تامین آب و غذاست. از امام علی(ع) نقل شده که فرمود "هر کسی که از سفر بر می گردد به مجرد پیاده شدن از مرکب نخست باید به حیوان آب و علف دهد. در این رابطه صاحب جواهر گوید که لزوم تامین وسائل زندگی برای هر جاننداری مورد اتفاق فقهاست. هم چنین امام علی(ع) نقل فرموده که پیامبر(ص) در حال وضو گرفتن بود که گریه ای نزدیک شد و حضرت فهمید که حیوان تشنه است ظرف آب را به حیوان نزدیک کرد تا حیوان از آب نوشید و سپس حضرت اقدام به وضو گرفتن نمود. (عیسی ولائی صص ۱۵۹)

با توجه به مطالبی که گذشت شکار و صید به قصد تفریح در اسلام جایز نیست و گفته شده که "اگر کسی برای تفریح به شکار رود باید نمازش را تمام بخواند زیرا سفرش سفر معصیت است". هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود "هر که گنجشکی را به ناحق بکشد خداوند روز قیامت از وی بازخواست می کند" و هم چنین نقل شده است که فرمود "هر حیوان پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند" (عیسی ولائی صص ۱۶۵-۱۶۴)

در اسلام هر عملی که موجب آزار و اذیت حیوانات باشد منع شده است. مانند بار کردن بیش اندازه بر حیوان، زدن حیوان. از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود پیامبر اکرم می فرمودند اگر کسی با عملش موجب صدمه ای به حیوان شود باید دیه آن را بپردازد. در این مورد امام باقر(ع) فرمود "در مورد مردی که چشم اسبی را کور کرده

بود امام علی(ع) اینگونه قضاوت نمود: یک چهارم قیمت روز کور شدن را باید به عنوان دیه به صاحبش بپردازد و در حدیثی دیگر آمده که امام صادق(ع) فرمود: دیه سگ شکاری چهل درهم و دیه سگ باغ بیست درهم است. در همین رابطه از امام علی(ع) نقل است که فرمود به صورت چهارپایان نزنید و آنها را لعن ننمایید زیرا خداوند به لعن کنندگان حیوانات لعن می فرستد. (عیسی ولائی صص ۱۶۶-۱۶۷)

هم چنین حیوانات را نباید به جنگ یکدیگر انداخت در این خصوص امام صادق(ع) از پدرشان امام باقر(ع) نقل نموده که اخته کردن حیوانات و به جنگ انداختن آنها کراهت دارد. هم چنین مثله کردن حیوانات و سوزاندن آنها در اسلام نهی شده است. هم چنین شکار بچه پرندگان جایز دانسته نشده که به مفهوم جلوگیری از انقراض نسل حیوانات است. و هم چنین نباید آرامش آنها را در شب به هم زد و نباید در شب اقدام به ذبح حیوانات نمود همانگونه که نباید در حضور حیوانات دیگر اقدام به کشتن حیوان نمود و حتی نباید حیوان موقع ذبح آلت قتاله را ببیند و نیز کشتن حیوانات آبستن و شیرده نیز ممنوع است و هم چنین حیوانی را که به انسان پناه می آورد نباید کشت. (عیسی ولائی صص ۱۶۹-۱۷۰)

ممنوعیت صید و شکار بی جهت از جمله احکام زیست محیطی در اسلام است. از پیامبر اسلام(ص) نقل است که فرمود "هر کس پرنده ای را بی جهت بکشد، پرنده روز قیامت به خدا شکایت می کند و می گوید خدایا بنده تو مرا بیهوده کشت بدون این که از من فایده ای ببرد". (اخلاق زیست محیطی در اسلام صص ۹۶-)

۲- حفاظت از گیاهان و درختان

در آیات بسیاری در قرآن اشاره به این است که گیاهان و درختان بفرمان الهی بوجود آمدند تا انسان از آنها استفاده نماید(سوره عبس آیه ۲۵، و آیه های ۳۰ الی ۳۳) هم چنین اشتغال به کشاورزی از مشاغل محبوب خداوند می باشد. در این رابطه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود هیچ کاری پیش خداوند محبوب تر از کشاورزی نیست. هم چنین در جای دیگر فرموده زراعت بزرگ ترین گوهر است. (عیسی ولائی صص ۱۷۵)

پیامبر(ص) می فرماید اگر نهالی در دست توست و قیامت هم در آستانه برپائی است و چیزی نمانده که بمیری آن را بکار و بمیر(اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ ص ۲۳۷) بنابراین توجه به عمران و آبادی به عنوان یک رسالت برای بشر و به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق محیط زیست در اسلام محسوب می شود.

هم چنین از پیامبر (ص) نقل است که فرمود "من بنی بنیانا بغیر ظلم و لا اعتداء او غرس غرسا بغیر ظلم و لا اعتداء کان له اجرا جاریا ما انتفع به احد من خلق الرحمن" هر کس اقدام به ساخت بنائی و یا کاشتن درختی نماید تا زمانیکه بندگان خدا از آن استفاده می نمایند دارای پاداش خواهد بود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۲) در حدیثی دیگر از پیامبر(ص) نقل است که فرمود هر درختی که مسلمان بکارد و یا زراعتی که انجام دهد که موجب شود تا انسانها و یا پرندگان و یا چهارپایان از آن استفاده نمایند موجب صدقه برای او می شود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۱)

از امام صادق(ع) نقل است که فرمود "هر کس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که مومن تشنه ای را سیراب کرده باشد" و در جای دیگر فرمود "هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را برای شما فرود می آورد"(اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۴-۸۵)

اکثر انبیا و امامان کشاورز بودند و سعی در احیای زمینهای موات داشتند. از حضرت رسول(ص) نقل شده است که فرمود: هفت کار است که اجر آن پس از مرگ انسان و در عالم برزخ به انسان می رسد:

۱- کسی که علمی را به دیگری آموخته، ۲- نهر آبی جاری ساخته، ۳- چاه آبی حفر نموده، ۴- درخت خرمائی غرس کرده، ۵- مسجدی را بنا کرده، ۶- قرآنی(کتابی) را به ارث گذاشته، ۷- فرزندى پرورش داده که بعد از مرگ او برایش با اعمال خود طلب مغفرت می کند.

بنابراین کاشتن درخت یکی از اعمالی است که در اسلام به آن تاکید شده است. در

همین رابطه پیامبر(ص) فرمود کسی که درختی بکارد و آن را به ثمردهی برساند خداوند به اندازه ثمره اش به او اجر و پاداش خواهد داد. و در جای دیگر فرمود: هر مسلمانی که درختی بکارد و یا زراعتی کشت نماید پس هر انسان یا پرنده یا چهارپائی که از آن بهره مند شود برای او ثواب صدقه در نظر گرفته می‌شود. هم چنین از امام صادق(ع) نقل است که فرمود زراعت کنید و درخت بکارید به خدا قسم هیچ کاری سودمند تر و پاکیزه تر از این نیست که محیط زندگی خود را سر سبز و پر طراوت سازید. هم چنین از ایشان نقل شده که فرمود حتی در حال جنگ با کفار از سوزاندن درختان و نابود کردن کشاورزی آنان احتراز کنید (عیسی ولائی ص - ۱۸۲-۱۸۱) از پیامبر(ص) نقل شده که فرمود درختان اطراف مدینه و مکه تحت محافظت قرار دارند و در اجرای این دستور اگر کسی اقدام به قطع این درختان می نمود در صورت دستگیری ایزاری که به وسیله آن قطع درخت نموده بود توقیف و به مالکیت شخصی در می آمد که او را افشاء نموده بود(حق کشف). (عیسی ولائی ص - ۱۸۳) از ایشان هم چنین شده است که فرموده اند "تخریب مراتع موجب لعن عامل آن از طرف خداوند می‌باشد". از امام صادق(ع) نقل است که فرمود خداوند درخت را برای انسان آفرید و بر او تکلیف کرد که آن را بکارد و آبیاری کند و بر نگهداری آن تلاش کند. در جای دیگر امام علی(ع) فرمود که عدم قطع درخت موجب طول عمر می‌شود.

فقهای بزرگ شیعه نیز به موضوعات زیست محیطی توجه داشته اند مثلاً محقق حلی در این مورد چنین گفته است "قطع کردن درختان و پرتاب آتش و باز کردن آب بر روی دشمن در جنگ مکروه است مگر در صورت ضرورت" بنابراین حتی در زمان جنگ نیز نباید اقدام به قطع درختان و جاری نمودن آب بر روی دشمن نمود مگر در حالت فورس ماژور و به عنوان آخرین اقدام که در اینصورت می‌توان چنین نمود. نتیجه اینکه اگر در زمان جنگ قطع درختان و جاری نمودن آب مکروه دانسته شده به طور اولی در زمان صلح حکم آن باید شدید تر اعمال گردد. هم چنین در جواهر الکلام برای اثبات بیان محقق حلی روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که

فرمودند "رسول خدا(ص) هنگامی که لشکری را برای جهاد می فرستاد فرمانده لشکر را دعوت می کرد و او را در کنار خود می نشاند و یارانش را در مقابل خود قرار می داد و سپس می فرمود: به نام خدا و به یاری او و در راه خدا و بر دین رسول خدا(ص) به سوی جهاد حرکت کنید. پیمان شکنی نکنید و به زنجیر نکشید و مثله نکنید و هیچ درختی را قطع نکنید مگر اینکه ناچار شوید و اشخاص پیر و فرتوت و بچه ها و زنان را نکشید". و در روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند "درخت نخل را آتش نزنید و آن را غرق نکنید و درخت باروری را قطع نکنید و زراعتی را نسوزانید زیرا شما نمی دانید شاید در آینده بدان محتاج شوید و چهارپایان حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای غذایتان ناچار شوید" هم چنین در جای دیگر روایت شده است که امام صادق(ع) فرمودند "درختان را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب می فرستد".

البته باید متذکر شد که دلیل صدور چنین احکام سختگیرانه ای در رابطه با قطع درختان وضعیت آب و هوایی شبه جزیره عربستان که سرزمینی خشک و صحرائی می باشد بوده است که در آن فضای سبز و آب شیرین بسیار اندک است و کاملاً روشن است که در چنین محیطی از بین بردن یک درخت و یا تخریب یک قنات آب چه تاثیر ناگواری برای ادامه حیات مردمی که پیوسته در حال کوچ و در جستجوی آب و چراگاه بودند چه مشکلاتی را به وجود می آورده است. اما در مکانهایی که آب و درختان و گیاهان به وفور یافت می شوند استفاده معقول از آنها توصیه شده است چرا که در صورت قطع درختان امکان احیای آنها بسرعت وجود دارد. بنابراین می توان برای توسعه اقتصادی اقدام به قطع درختان با شرط جایگزین نمودن آنها نمود. چنانکه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند "قطع درخت در بیابان مکروه است زیرا این درخت در بیابان کم یافت می شود اما در مدینه قطع آن اشکالی ندارد زیرا در اینجا به فراوانی یافت می شود". در همین موضوع از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که به حضرت علی (ع) فرمودند "یا علی بیرون برو و از قول خدا، نه رسول خدا، بگو که:

خداوند لعنت کرده است کسی را که درخت سدر را قطع کند" (محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه ج ۱ ص ۹۵)

امروزه یکی از موضوعات مهم حقوق محیط زیست مقابله با بیابان زائی و حمایت از جنبش کویر زدائی است. برای این منظور احیای جنگلهای تخریب شده و کاشت درختان از جمله سیاستهای مهم زیست محیطی کشورها جهان می باشد و بعبارت دیگر از مهمترین اهداف حقوق محیط زیست است. و دیدیم که در اسلام نیز به آن تاکید فراوان شده است. در همین رابطه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند "از پیامبر (ص) سوال شد که چه مالی بهتر است؟ فرمودند زراعتی که کشاورزی بکارد و آن را اصلاح کند و در هنگام برداشت حق آن را بپردازد" هم چنین در روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند "کشاورزان کنجهای مخلوقاتند، چیزهای پاکیزه ای را خداوند آفریده است می کارند و در روز قیامت جایگاهی نیکو در قرب الهی دارند و آنان را به نام اشخاص مبارک(پربرکت) می خوانند" (وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، ج ۱۳، ص ۱۹۴)

در همین خصوص امام باقر(ع) از امیر المومنین(ع) نقل نموده که حضرت فرمودند "کسی که آب و خاکی داشته باشد و با وجود آن فقیر باشد(زراعت نکند) خداوند او را از رحمت خود دور گرداند" (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۱۳)

و از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند "هر گیاهی که کاشته می شود، فرشته ای نگهبان آن می شود تا زمانی که به ثمر برسد. پس هر کس آن را زیر پا له کند فرشته نگهبان او را لعنت می کند" (میزان الحکمه، همان، ص ۹۵) هم چنین فرموده اند "اجر سیراب کردن درخت مانند سیراب کردن مومن می باشد" (بحار الانوار، ج ۹، ص ۴۱۴ اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی - قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰)

بند ۲ - احکام کلی و عام در رابطه با محیط زیست

با توجه به اینکه ممکن است در زمانهای مختلف موضوعاتی مطرح شوند که در صدر اسلام مطرح نمی بودند و با توجه به اینکه بنا به آیه ۸۹ سوره نحل که می فرماید " این کتاب را که بر تو نازل کردیم بیانگر همه چیز است " بنابراین باید احکام سایر موضوعاتی که حکم صریح شان در قرآن نیامده و یا در روایات و احادیث نقل نشده اند را در سایر احکام اسلامی یافت و آن احکام کلی و عام می باشند. بنابراین علت وجودی این احکام حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می آیند. اصولاً هر نظام حقوقی که مدعی کامل بودن می باشد نیاز به چنین احکامی کند. با توجه به مبانی مختلف این احکام را می توان به گروه های متفاوتی تقسیم نمود. این تقسیم می تواند یا بر اساس ۱- دامنه احکام باشد که شامل قواعد عام که قابل اعمال در همه موضوعات می باشد مانند قاعده الایم و فالایم و یا قاعده رجوع جاهل به عالم و قواعد خاص که فقط در برخی موضوعات قابل اجرا می باشند مانند قاعده تالیف قلوب و یا بر اساس ۲- کاربرد قواعد تقسیم می شوند به احکام صرفاً سیاسی مانند قاعده نفی سیبیل و احکام با کاربردهای سیاسی و غیر سیاسی مانند قاعده لاضرر و یا بر اساس ۳- پیدایش احکام به عمل آید. این قواعد می توانند یا قواعد امضائی باشند یعنی قاعده ای که قبل از اسلام نیز وجود داشته و اسلام نیز آنها را جایز نموده است مانند قاعده وفای بعهد، و یا قواعد تاسیسی یعنی احکامی که قبل از اسلام وجود نداشته و اسلام آنها را ایجاد نموده است. برخی از این احکام دارای چنان ویژه گی می باشند که می توانند در موضوعات زیست محیطی کاربرد داشته و قانونگذاران را در موضوع حفاظت از محیط زیست یاری نمایند. مانند اصل لاضرر، مشترکات عمومی و اصل مصلحت نظام. اصل اتلاف و تسبیب، اصل اعانه بر اثم، قاعده عدم فساد، اصل حفظ تعادل.

الف- اصل تعادل در حفاظت محیط زیست

منابع طبیعی و زیست محیطی به نحوی از طرف خداوند خلق شده اند که تداوم

حیات هر یک وابسته به حیات دیگری می‌باشد. بعبارت دیگر نوعی تعادل در عناصر مختلف زیست محیطی وجود دارد که این ویژه گی باید حفظ شود و بشر نباید با اقدامات خود موجب برهم خوردن این تعادل گردد. در این رابطه در آیه ۴۹ سوره قمر خداوند می‌فرماید "ماهر چیزی را به اندازه خلق کردیم" منظور از این آیه این است که استفاده از منابع طبیعی نباید موجب ایجاد عدم تعادل و بر هم خوردن اندازه مذکور در آیه فوق شود. بشر می‌تواند از تمامی مواهب طبیعی بهره برداری نماید متهی این بهره برداری باید متناسب و صحیح باشد و نه به صورت افراطی که موجب نابودی منابع طبیعی گردد. بعبارت دیگر حقوق محیط زیست در اسلام همان اصول اساسی حقوق محیط زیست امروز را دنبال می‌نماید، یعنی اسلام هیچ مخالفتی با استفاده از مواهب و منابع طبیعی و به عبارت دیگر بهره برداری اقتصادی از این منابع ندارد بشرط اینکه این بهره برداری معقول و منطقی باشد و موجب از بین رفتن و نابودی منابع طبیعی نگردد چرا که این منابع به عنوان میراث طبیعی باید برای نسلهای آینده بشر نیز حفظ گردد. بر خلاف اکولوژیست ها که با دیدی افراطی به مساله معتقدند که اصولا هیچ نوع بهره برداری از منابع طبیعی نباید صورت گیرد. در همین مفهوم خداوند در آیه ۸ سوره رعد می‌فرماید "همه چیز در نزد خداوند به اندازه است" بعبارت دیگر باید استفاده از منابع طبیعی بنحوی صورت گیرد که این تعادل به هم نخورد چرا که وجود تعادل میان عناصر مختلف زیست محیطی است که آبادانی و تداوم حیات در روی کره زمین را فراهم می‌آورد. تعادل زیست محیطی به خودی خود چنانچه بشر در آن دخالتی ننماید حفظ می‌شود. دخالت بشر می‌تواند موجب برهم خوردن این تعادل و در نتیجه نابودی عناصر تشکیل دهنده طبیعت گردد. هر عنصری از طبیعت از جایگاه خاص و اهمیت برخوردار است. هیچ چیزی در طبیعت بی دلیل خلق نشده و بشر نباید به سلیقه خود موجب از بین رفتن و نابودی هیچ یک از عناصر طبیعی اعم از جاندار و غیر جاندار شود. در همین رابطه در آیه ۱۹ سوره حجر چنین آمده است "و از هر گیاهی مناسب در زمین رویاندیم" بنابراین خداوند روئیدنیها را متنوع و مناسب آفریده است هم چنانکه دیگر

انواع نیز دارای چنین تنوعی می باشند. این امر به مصلحت انسان و دلیل عظمت پروردگار است. تنوع موجب آرامش و انبساط روحی و روانی بشر می گردد و او را از کسالت روحی می رهاند. با توجه به این موضوع آیا شایسته است که انسان بدست خود به تخریب محیط زیست و از بین بردن این تنوع بپردازد. رفتارهایی که متأسفانه امروزه با آن روبرو می باشیم. در آیه ۵۳ از سوره طه چنین آمده است " همان خدائی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راهها برای روابط و سفر و حواجی خلق کرد و از آسمان آبی فرستاد تا به آن انواع نباتات مختلف را از زمین برویانیدیم " مفهوم این آیه این است که انسان جزئی از جهان هستی است و البته از اجزاء ممتاز و تاثیر گذار که ارتباطش با جهان هستی باید در چارچوب احکام اسلامی و قرآن باشد. بنابراین انسان مالک زمین نیست که بتواند به اختیار خود هر نوع دخل و تصرفی در آن انجام دهد. دیگر موجودات نیز به سهم خود دارای حق در این کره خاکی بوده و لذا باید کلیه اقدامات انسان به صورتی به عمل آید که به حقوق آنها تجاوز نشود یعنی موجب نابودی آنها نگردد.

در رابطه با حفظ طبیعت و رعایت تعادل در بهره برداری از آن در اسلام تعالیمی وجود دارد که ما را به میانه روی و پرهیز از اسراف هدایت می نماید. از امام صادق (ع) نقل است که فرمود "میانه روی چیزی است که خدای بزرگ آن را دوست دارد و اسراف چیزی است که خدای بزرگ آن را دشمن می کند حتی بدور انداختن هسته خرما که آن نیز برای کاری شایسته است و بر زمین ریختن زیادی نوشیدنی که از مصادیق اسراف است " (عیسی ولانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸) در این رابطه سوره اعراف آیه ۳۱ مقرر داشته "وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ" یعنی تصرف انسان در مال خویش و به مصرف رساندن آن اگر افزودن بر اندازه اعتدال و میانه روی و صرفه جوئی باشد ممنوع است. وقتی اسلام در رابطه با اموال خصوصی فرد حکم بر عدم اسراف و رفتار متعادل می نماید به طور اولی در مورد اموال عمومی حرمت چنین رفتاری بیشتر مطرح می باشد. یعنی اموالی که جزء انفال و مشترکات عمومی محسوب شده و جزء عناصر طبیعی محیط زیست است.

ب- اصل لاضرر

این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. مبنای این قاعده مبتنی بر عقل است یعنی حتی بدون حکم شارع از طریق خود عقل می‌توان به آن دست یافت. مستند آن نیز آیات ۱۸۲، ۲۲۳ و ۲۳۱ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره نساء و نیز روایات متعددی می‌باشد که از ائمه اطهار نقل شده است (دکتر سید مصطفی محقق داماد، "قواعد فقه"، ۱۳۸۸، صص ۱۲۴-۱۳۱) بموجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد حتی اگر قانونی وضع شود که موجب ورود ضرر به فرد و یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب ضرر گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد. البته در مواردی ممکن است میان اصل لاضرر و اصل تسلیط که یکی دیگر از اصول حقوقی اسلام می‌باشد تعارض بوجود آید. در این صورت باید به اجرای اصل لاضرر پرداخت زیرا این اصل در جهت تامین منافع عمومی اجرا می‌شود در حالیکه اصل تسلیط هدفش حفظ حقوق خصوصی می‌باشد. مثلاً در بحث حفاظت محیط زیست اگر فردی در محدوده مالکیت خود به اقدامات مخرب زیست محیطی مانند آلوده کردن آب جاری یا قطع اشجار و درختان پردازد به استناد اصل لاضرر باید مانع او گردید و به استناد همین قاعده در صورت ورود خسارات زیست محیطی او ضامن و مسئول می‌باشد. (ابوالحسن محمدی "قواعد فقه"، نشر دادگستر، سال ۱۳۷۷، صص ۱۵۵-۱۵۳)

ج- قاعده انفال

خداوند در آیه ۱ سوره انفال می‌فرماید "در باره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال از آن خدا و پیامبر است". در باره مصادیق انفال فقها برداشتهای گوناگون دارند که ناشی از مقتضیات هر زمان و مکان و نیاز اجتماعی مردم در هر دوره ای می‌باشد (خامنه‌ای، محمد-مالکیت عمومی-صص ۶۰) در مفهوم عام مراد از انفال کلیه اموال عمومی است که متعلق به فرد یا افراد مشخصی نمی‌باشند، اموالی که خداوند آنها را برای بندگان خلق کرده است یعنی اموالی که ساخته دست بشر نبوده و به شخص خاصی تعلق

ندارد از قبیل اراضی موات، سواحل دریاها، کوهها، بیابانها، معادن، جنگلها، مراتع و بیشه ها، فضا، هوا و آبهای زیر زمینی. این اموال به امام و رهبر جامعه مسلمین تعلق دارد و او می‌تواند از آنها در جهت منافع کل جامعه استفاده نماید. (منتظری، حسین علی، کتاب الخمس، ص ۳۴۹) با توجه به اینکه مصادیق مذکور در حقوق محیط زیست مورد بحث قرار می‌گیرند بنابراین می‌توان گفت که موضوعات زیست محیطی با مسایل انفال کاملاً منطبق می‌باشد.

د- مشترکات عمومی

- مشترکات عمومی منظور اموالی است که متعلق به شخص خاصی نبوده و همه افراد می‌توانند با رعایت مصلحت عموم از آن استفاده نمایند بعبارت دیگر این اموال نمی‌توانند به تملک افراد در آیند و دولت به عنوان حافظ منافع عمومی بر این موضوع نظارت دارد. این اموال یا در اختیار دولت است یا در اختیار سایر نهادها و موسسات عمومی از قبیل شهرداریها. در استفاده از این اموال همه مردم با حقوق برابر حق می‌باشند مانند حق استفاده از پارکها، جنگلها، خورشید، نور. در مواردی نیز استفاده از این اموال تحت شرایط خاصی ممکن می‌گردد از جمله این شرایط شرط عدم اضرار به غیر، عدم مزاحمت برای دیگران و عدم استفاده بیش از نیاز می‌باشد. دولت به عنوان حافظ منافع عمومی نیز مسئولیت نظارت بر رعایت این حقوق را برعهده دارد (قرشی، محمد بن احمد، آئین شهرداری، ص ۹۵)

ه- اصل مصلحت نظام

در تعریف اصل مصلحت چنین بیان شده است: "مصلحت عبارت است از تدبیری که دولت اسلامی به منظور رعایت منافع مادی و معنوی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شارع مقدس اتخاذ می‌کند." (مهرداد محمدی " اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام " بدون تاریخ

(<http://www.yaserziaee.blogfa.com>)

- دولت دارای دو نوع مسئولیت است از یک طرف مسئولیت وضع مقررات لازم برای اداره جامعه و از طرف دیگر اجرای احکام و قوانین. اگر حاکم جامعه اسلامی نتواند در چارچوب اصول و موازین فقهی موجود حکم موضوعی را تعیین نماید، به اصل دخالت دولت و مصلحت نظام متوسل می‌شود. بموجب این اصل در صورت اختلاف و تعارض میان دو قاعده و قانون باید به اجرای آن قاعده ای پرداخت که بهتر منافع جامعه را تامین نماید، مثلا اگر بین یکی از اصول زیست محیطی و یکی از قوانین جامعه تعارضی پیش آید حاکم باید به توجه به اصل منفعت عمومی به اجرای آن قاعده ای بپردازد که بیشتر حافظ منافع همگانی می‌باشد و چون قوانین زیست محیطی بیشتر تامین کننده منافع جامعه می‌باشند حاکم باید به اجرای آنها بپردازد. از نظر مبنای فقهی به دلیل عدم وجود حکم صریحی در قرآن در این رابطه می‌توانیم به آیه شریفه " و شاورهم فی الامر... " و یا آیه ۵۹ استناد نمائیم که می‌فرماید "خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امرتان فرمان ببرید". هم چنین در روایات آمده "حضرت علی (ع) هنگام شمارش حقوق خود بر مردم... می‌فرماید: حق من بر شما این است که هرگاه شما را برای کاری خواندم اجابت نمایید و فرمانم را اطاعت کنید. پیامبر اکرم (ص) هم در ۱۳ سال اول بعثت در مکه بر مبنای مصالح امور مسلمین و حفظ اسلام، احکام حکومتی صادر می‌نمودند." (مهرداد محمدی) "اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام" همان)

و- قاعده عدم فساد

در قرآن آیات متعددی در رابطه با عدم فساد نازل شده است و منظور از فساد هر عملی را گویند که موجب نابودی یا آسیب جدی به آنچه می‌باشد که در صورت عدم وجود فساد به صورت سالم وجود می‌داشت. در حقوق محیط زیست از آن به عنوان تخریب و آلودگی نام برده می‌شود. در سوره هود آیه ۶۱ خداوند می‌فرماید "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا" یعنی ای انسان او خدائی است که شما را از خاک بیافرید و شما را برای آباد کردن زمین مستقرتان کرد. بنابراین رسالت انسان در زمین عمران و

آبادانی زمین می‌باشد و نه ایجاد فساد و تخریب آن. آمده است که وقتی خداوند انسان را خلق کرد فرشتگان لب به اعتراض گوشودند که چرا موجودی را که افساد گر است خلق کردی "حال آنکه ما با ستایشت ترا تنزیه می‌کنیم و به تقدست می‌پردازیم و خداوند فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید..." (عیسی ولانی، ص ۱۹۵)

بنابراین وظیفه انسان حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط می‌باشد چرا که یکی از معانی که از فساد درک می‌شود تخریب محیط زیست است. در این رابطه خداوند در سوره اعراف ایه ۵۶ می‌فرماید "وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ" که خداوند هرگز تبهکاران را دوست نمی‌کند و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن به امر خدا نظم یافت به تبهکاری بر نخیزد و خدا را هم از روی ترس و هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است. در زمین بعد از اصلاح آن فساد مکنید. نکته قابل توجه که تقویت کننده نظریه مترادف بودن فساد با تخریب محیط زیست این است که آیه مذکور در بین آیاتی آمده که به بیان پدیده های طبیعی می‌پردازند مانند پیدایش زمین در شش روز، استقرار عرش، گردش شب و روز، خورشید و ماه و ستارگان، باد و ابر، زنده کردن زمین، نزول باران. در سوره بقره آیه ۲۰۴ هر رفتاری که موجب آسیب رسیدن به کشت و محصولات و تولید شود از طرف خداوند فساد تلقی شده و نهی گردیده است. در همین رابطه در سوره رم ایه ۴۱ خداوند می‌فرماید "ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" یعنی مردم با اقدامات خود موجب فساد در خشکی و دریا شدند باشد که نتیجه اعمال خود را ببینند. بنابراین قاعده عدم فساد یا عدم تخریب محیط زیست از جمله قواعد حاکم در حقوق محیط زیست اسلامی می‌باشد. در همین خصوص پیامبر(ص) فرمودند "هر کس از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار رهگذر است بر طرف کند خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می‌کند..." (اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۸۵)

منظور از راه مسلمان شامل هر مکانی می‌شود که انسان در آنجا می‌باشد و یا از آن عبور می‌نماید یعنی هم شامل محیط دریائی می‌شود و هم محیط خشکی و یا قلمرو هوائی و فضائی که در آینده می‌تواند تبدیل به یکی از مناطقی شود که بشر به طور مرتب از آن استفاده می‌نماید و منظور از هر چیزی که باعث آزار می‌شود می‌تواند شامل انواع آلودگی‌ها باشد بدین ترتیب خداوند از انسان می‌خواهد که اولاً خود اقدام به آلودگی محیط زیست ننماید و ثانیاً در صورتی که با موردی از آلودگی محیط زیست روبرو شد اقدام به برطرف نمودن آن نماید و برای اینکه واقعا در این کار کوشش نماید برای او اجر و پاداش در نظر گرفته که همانا پاداش اخروی می‌باشد با این عبارت که کسانی که در جهت نظافت محیط زیست و حفاظت آن کوشش می‌نمایند خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در نامه اعمال آنها منظور می‌نماید.

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است سه گروه از افراد در اثر اعمالی که انجام می‌دهند مورد لعنت خداوند می‌باشند: ۱- کسی که مکان عمومی را آلوده کند، ۲- کسی که خارج از نوبت آب ببرد ۳- کسی که سد معبر کند. (اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

ز- قاعده اتلاف و تسبیب

قاعده اتلاف و تسبیب از جمله قواعد ایجاد مسئولیت می‌باشند که اگر چه از نظر تعریفی اندکی با یکدیگر متفاوت می‌باشند ولی از نظر نتیجه حکم هر دو قاعده یکی است و آن ایجاد مسئولیت عامل خسارت به جبران خسارت قربانی عمل خود می‌باشد. مستند این قاعده آیه ۱۹۰ سوره بقره و روایات متعدد می‌باشد از جمله روایتی از حضرت رسول (ص) است که فرموده اند "حرمة مال المسلم كحرمة ذمه" یعنی احترام مال مسلمان مانند احترام خون او است، هم چنین نظر اجماع فقها و نیز مستندات عقلی نیز چنین قاعده ای را حکم می‌نمایند (دکتر سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه"، ۱۳۸۸، صص ۱۱۲-۱۰۹). بموجب قاعده اتلاف کسی که با عمل خود چه فعل باشد یا ترک فعل مال دیگری و یا منافع آن را عمداً یا سهواً بدون اذن صاحب مال تلف نماید مسئول بوده و باید غرامت آن را بپردازد.

آسیب رساندن به محیط زیست نیز موجب مسئولیت عامل رفتار می‌شود و باید پاسخ‌گوی عمل خود در مقابل افراد عمومی و خصوصی باشد و آن را جبران نماید. در همین رابطه از امام علی(ع) روایت شده است که فرمود "کسی که چهارپائی را بکشد یا درختی را بیهوده قطع کند و یا کشتزاری را خراب کند یا خانه‌ای را ویران سازد یا چاه آب یا نهری را از بین ببرد باید قیمت آنچه را که تباه و فاسد کرده به عنوان غرامت بپردازد و اگر عمدی بوده تعزیر و تادیب هم بشود ولی اگر به خطا این کارها را انجام داده باشد فقط بر او غرامت است و حبس و تادیبی در کار نیست و اگر حیوانی را ناقص کند بر او لازم است تفاوت قیمت آن را به صاحبش تادیه نماید" (ولائی، ص ۲۰۳). در قاعده تسبیب نیز اگر کسی مستقیماً یا به طور غیر مستقیم سبب ورود خسارت به محیط زیست شود ضامن بوده و باید جبران خسارت نماید. از قاعده اتلاف قاعده دیگر بدست می‌آید و آن قاعده احترام به مال مردم می‌باشد یعنی عدم تعدی و تصرف مال دیگری که نتیجه حاصل از آن این است که در فرض تعدی و تجاوز متصرف و متجاوز مسئول و ضامن خسارات وارده می‌باشد (سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه" بخش مدنی ۱۳۸۸ ص ۲۱۳) محیط زیست از اموال مشترک می‌باشد و بنابراین تجاوز و تعدی به آن تجاوز به حقوق عامه محسوب شده و دولت به عنوان مدعی العموم جامعه باید در جهت رفع تجاوز اقدام نماید.

ح- قاعده ملازمه

در شریعت اسلامی، به ویژه در فقه شیعه عقل به عنوان یکی از منابع حقوق محسوب می‌شود. البته مقصود از عقل "ادراکات قطعی و روشن عقل است، نه احتمالات و ظنون؛ چرا که قضیه‌های عقلی در مقدمات برهان قرار می‌گیرند، و برهان مفید علم و یقین است؛ در حالی که قضایای ظنی و احتمالی تنها در استدلال‌های خطابی و جدلی کاربرد دارند، و مبتنی بر تشبیه و تمثیل‌اند، و این همان است که در اصطلاح فقها «قیاس» نامیده می‌شود و در مکتب اهل بیت - علیهم السلام - مردود شناخته شده است؛ زیرا شریعت را نمی‌توان و نباید بر وهم و ظن و احتمال پایه‌گذاری کرد، ولی می‌توان آن را بر اساس علم و یقین و عقل و برهان استوار ساخت" پذیرش

عقل به عنوان یکی از منابع حقوق مبتنی بر برخی آیات قرآن کریم است؛ مثلاً در سوره اسراء/ ۳۶. "چنین آمده است "وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ" یعنی حداوند انسان را از پیروی از آن چه انسان به آن علم ندارد، نهی نموده است. و یا در سوره نجم/ ۲۸ "وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا". در فقه شیعه به عقل تحت عنوان «مستقلات عقلیه و ملازمات عقلیه» توجه شده و مسئله ملازمه میان حکم شرع و عقل، از مسایل مهم است. بر اساس آن وجوب یا حرمت رفتاری یعنی حسن یا قبح هر عملی را می‌توان تشخیص داد از این قاعده با عبارت معروف «كُلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» تعبیر می‌شود. یعنی هر گاه که عقل حسن یا قبح فعلی را تشخیص دهد، در حقیقت حکم شرعی را تشخیص داده است. (علی ربانی گلپایگانی، اسلام و نیازهای زمان، <http://andisheqom.com/index.php>)

در حقوق محیط زیست بر اساس اصل آلوده کننده-پرداخت کننده عامل خسارت به محیط زیست ضامن بوده و باید به جبران آن پردازد. توجیه قاعده مذکور از نظر فقهی در قاعده ملازمه نهفته است. بموجب این قاعده که امروزه به آن قاعده عقل سلیم گویند هر گاه درست بودن و یا نادرست بودن عملی از طرف خرد جمعی درک شود قانونگذار نیز به آن حکم خواهد داد. بنابراین با توجه به اولویت منافع عمومی و مصلحت جامعه بر منافع خصوصی و مصالح شخصی عقل سلیم ایجاب می‌نماید که خسارت وارد کننده به محیط زیست به جهت اولویت مصالح عمومی، به جبران آن پردازد و دارای مسئولیت باشد. شارع اسلامی که همان قانونگذار می‌باشد باید بر اساس قاعده ملازمه در اینگونه موارد در جهت دفاع از منافع عمومی به اتخاذ تصمیم پردازد و این تصمیم چیزی جز واجب دانستن حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی و حرام دانستن تخریب آن نمی‌باشد. (ولائی ص ۲۰۷)

ط- قاعده اهم و مهم

یکی از قواعد مسلم در اصول فقه امامیه، قاعده اهم و مهم است. بموجب این قاعده هرگاه میان دو حق تعارض بوجود آید، در این صورت باید به اعمال حقی پرداخت

که دارای اهمیت بیشتری است. مثلاً بر اساس اصل تسلیط افراد می‌توانند از مایملک خود هر گونه که می‌خواهند استفاده نمایند ولی اگر استفاده از این حق موجب ورود خسارات زیست محیطی شود، دو حق در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند یکی حق خصوصی (اصل تسلیط) و دیگر حق عمومی (اصل حق حیات جامعه). در اینجا حاکم می‌تواند بر اساس قاعده اهم و مهم دستور ورود به ملک خصوصی افراد برای ممانعت از ادامه آلودگی های زیست محیطی تولید شده در آن ملک را صادر نماید^۱.

ی- قاعده اعانه بر اثم

- این قاعده به توصیف رفتاری می‌پردازد که هر گاه بوجود آید عامل آن به عنوان معاونت در جرم، مجرم تلقی شده و باید مجازات شود. از نظر لغوی اعانه بر اثم به مفهوم کمک به گناه می‌باشد. در فقه اسلامی جرم همان اثم و گناه است. (آیت الله محمد حسن مرعشی - تقریرات درس دوره دکترای جزا بخش معاونت در جرم در فقه اسلامی - بدون تاریخ <http://islamicreflection.blogdoon.com/Post>) حرمت گناه در اسلام به عنوان یک اصل محسوب می‌شود. بنابراین هر گاه رفتار مجرمانه ای در جامعه صورت گیرد شخصی هم که در انجام آن رفتار اگر چه نه به صورت مستقیم، دخالت داشته است به عنوان معاونت، شریک در جرم محسوب شده و باید مجازات شود. اساس قاعده مذکور از آیه شریفه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ" می‌باشد (مائده (۵) آیه ۲)

۱. تفاوتی میان قاعده عقلی اهم و مهم با قاعده «نفي ضرر» و «نفي حرج» و در تشخیص مصادیق و موارد است. تشخیص "قواعدی چون نفي ضرر و نفي حرج برعهده عرف یا افراد خیره‌ای مانند پزشک و امثال او است، و گاهی نیز خود مکلف می‌تواند آن را تشخیص دهد. مثلاً این که آیا گرفتن روزه برای سلامتی انسان ضرر دارد یا نه، و یا حرجی است یا خیر، با رجوع به پزشک، یا تشخیص خود مکلف، و یا افراد دیگر می‌توان به دست آورد؛ ولی تشخیص اولویت و اهمیت یک حکم دینی نسبت به حکم دینی دیگر کار دقیق و دشواری است که غالباً برعهده فقیه و مجتهد است. یعنی در این‌جا تشخیص حکم و موضوع هر دو توسط مجتهد انجام می‌گیرد...." علی

در این آیه خداوند از انسان می‌خواهد تا به اعمال صالح و نیکو بپردازند و از اعمال ناپسند و گناه خودداری نمایند. هم چنین افراد نباید در انجام اعمال ناپسند و گناه و یا به تعبیری جرم دیگران را کمک نمایند که در صورت چنین رفتاری خود نیز مرتکب گناه و جرم می‌شوند. (سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه" بخش جزائی ۱۳۸۸ صص ۱۷۶-۱۷۳) علاوه بر آیه مذکور در روایات متعددی و نیز نظرات اجماع فقها بر حرمت اعانه بر اثم تاکید شده است. (روح الله شریعتی "چیستی قواعد فقه سیاسی" مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱ ص ۱۵)

از جمله مصادیق گناه (اثم) انجام مفاسد اجتماعی است مانند خرید و فروش و توزیع مواد مخدر و غیره... تجاوز به محیط زیست از طریق آلوده نمودن و یا تخریب آن نیز یکی از مفاسد اجتماعی می‌باشد. با توجه به اینکه هم چنانکه قبلاً بیان شد حمایت و حفاظت از محیط زیست در آیات و روایات گوناگون توصیه شده است، اگر کسی به نقض مقررات زیست محیطی بپردازد رفتار او از نظر اسلامی گناه و جرم محسوب شده و حاکم می‌تواند بر اساس قاعده اعانه بر اثم او را مجازات نماید.

نتیجه

در پایان باید گفت که بر اساس احکام اسلامی رابطه نزدیکی میان انسان و طبیعت وجود دارد "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ" و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورند و پرهیزکار شوند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشاییم. (سوره اعراف آیه ۹۶ اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸)

۱. محمد حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۹ باب ۲ از ابواب قصاص النفس حدیث ۴ حدیثی از امام صادق(ع)، ج ۱۲ ص ۱۳۰ باب ۴۲ از ابواب مایکتسب به، حدیث ۱۱ حدیثی از پیامبر(ص)، ص ۱۳۱ حدیث ۱۵ حدیثی دیگر از پیامبر(ص) مذکور در مقاله "چیستی قواعد فقه سیاسی" شریعتی روح الله مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱ ص ۱۵

در چهارچوب این رابطه هم چنانکه مطالعه شد وظیفه انسان حفاظت از طبیعت و علاوه بر آن آباد کردن و احیای آن می‌باشد و نه تخریب محیط زیست. زیرا بر اساس احکام اسلامی خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد "ان الله تعالی طیب یحب الطیب، نظیف یحب النظافه، کریم یحب الکریم، جواد یحب الجواد، فنظفوا افیتکم". (نهج البلاغه ج ۴ ص ۶۰۶ اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ ص ۲۶۷) و آنچه که در طبیعت وجود دارد برای این است که انسان از آن بهره برداری نماید و متعلق به زمین است و نه متعلق به انسان "إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوَهُمْ أَتَيْهِمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" ما آنچه در زمین جلوه گراست زینت و آرایش زمین قرار دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم. (سوره کهف آیه ۷ اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ ص ۲۱۷)

هم چنانکه مطالعه شد در قرآن در رابطه با هر یک از عناصر بی جان طبیعت آب، هوا، خاک و نیز عناصر جاندار درختان و جانوران احکامی وجود دارد. در این احکام از طرفی به اهمیت هر یک از این عناصر و نقشی که در زندگی بشر ایفا می‌نمایند و اینکه همه آنها برای بشر خلق شده اند تا بشر بتواند با استفاده از آنها به کمال برسد تاکید شده و از طرف دیگر متذکر می‌شود که تمامی این عناصر مواهب الهی است و بشر به عنوان امانت دار در استفاده از آنها نباید چنان رفتار نماید که موجب تخریب و نابودی آنها گردد بلکه باید به عنوان هر امانتداری بنحوی رفتار نماید که بعد از او این مواهب به دست آیندگان برسد. عبارت دیگر هم چنانکه خداوند جهان را برای بشر خلق کرده است مسئولیت حفاظت از آن را نیز بر عهده بشر واگذار نموده است و چون هیچ عمل انسان بی تاثیر بر محیط زیست نمی‌باشد بنابراین باید از اعمالی که موجب آسیب رساندن به محیط زیست می‌شود اجتناب نماید. برای حل معضلات زیست محیطی در اسلام و بخصوص در فقه شیعه راهکارهایی وجود دارد که به دولت اسلامی امکان می‌دهد تا با استناد به آنها ضمن حفاظت از محیط زیست به حراست از این میراث که از گذشتگان به ما رسیده برای نسل های آینده بپردازد.

این راهکارها امکان می‌دهد تا از طرفی به محیط زیست به عنوان مال مشترک احترام بگذاریم و نظام اسلامی بر اساس اصل مصلحت می‌تواند در مواردی هم که سکوت حکمی در حفظ محیط زیست وجود داشت باشد به وضع قوانینی پردازد که به بهترین وجه حافظ منافع محیط زیست محیطی باشد. بموجب اصل عدم فساد انسانها دارای مسئولیت در رابطه با بهره برداری از طبیعت و منابع طبیعی بوده و لی استفاده از طبیعت و محیط زیست باید هوشمندانه بوده و آسیبی به آن وارد ننماید. در غیر اینصورت در چهارچوب قاعده اتلاف و تسبیب و نیز قاعده لاضرر فرد آسیب رسان مسئول بوده و باید به جبران خسارات وارده پردازد. این مسئولیت مبتنی است بر قاعده ملازمه یا خرد جمعی. بر اساس آن عقل سلیم حکم می‌نماید که آسیب زنده به محیط زیست به جبران خسارات آن نیز پردازد. و نیز بر اساس قاعده اعانت بر اثم نه تنها خود عامل جرم زیست محیطی بلکه هم چنین هر کسی که در انجام جرم زیست محیطی به نحوی معاونت داشته به عنوان معاون جرم مسئول بوده و باید پاسخ گوی اعمال خود باشد. بدین ترتیب می‌توانیم بگوئیم که قانونگذاران اسلامی می‌توانند مستندا به قواعد مذکور به حل معضلات زیست محیطی در جامعه پرداخته و از محیط زیست حفاظت نمایند.

فهرست منابع

- ۱- برازش، علیرضا، "وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه" ج ۱۳ انتشارات انصاریان قم ۱۳۷۳
- ۲- تقی زاده انصاری، مصطفی - "حقوق محیط زیست در ایران" - انتشارات سمت چاپ دوم ۱۳۸۷
- ۳- جوادی آملی، آیه الله - "اسلام و محیط زیست" - قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶
- ۴- حسینی، سید فضل الله - عمیق، محسن - "اخلاق زیست محیطی در اسلام" - نشر استاد مطهری ۱۳۸۵
- ۵- خامنه ای، محمد - "مالکیت عمومی" - انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا ۱۳۸۶
- ۶- شریعتی، روح الله "چیستی قواعد فقه سیاسی" مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱
- ۷- قرشی، محمد بن احمد - "آئین شهرداری" - ترجمه جعفر شعار - انتشارات علمی و فرهنگی - بی تا
- ۸- منتظری، حسین علی - "کتاب الخمس" - انتشارات ارغوان دانش ۱۳۸۶
- ۹- محمدی ری شهری، محمد - "میزان الحکمه" ج ۱ موسسه میزان الحکمه ۱۳۶۲
- ۱۰- محمدی، ابوالحسن "قواعد فقه" نشر دادگستر ۱۳۷۷
- ۱۱- محقق داماد، سید مصطفی، "قواعد فقه" بخش جزائی ۱۳۸۸
- ۱۲- محقق داماد، سید مصطفی، "قواعد فقه" بخش مدنی ۱۳۸۸
- ۱۳- نوری، میرزا حسین، "مستدرک الوسائل" ج ۱۷ انتشارات اسلامیه ۱۳۳۸ ق
- ۱۴- ولائی، عیسی، "اسلام و محیط زیست"، نشر اندیشه مولانا، قم ۱۳۸۸

منابع اینترنتی

- ۱۵- ربانی گلپایگانی، علی، اسلام و نیازهای زمان،
<http://andisheqom.com/index.php>.
- ۱۶- مرعشی آیت الله محمد حسن، تقریرات درس دوره دکترای جزا بخش

معاونت در جرم در فقه اسلامی - بدون تاریخ

<http://islamicreflection.blogdoon.com/Post>

۱۷- محمدی، مهرداد " اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع

تشخیص مصلحت نظام " بدون تاریخ <http://www.yaserziaee.blogfa.com>

